هشدارهای تقی زاده راجع به امریکا و صهیونیسم

افشار، ایرج

1-درآمد

سید حسن تقی‏زاده(وزیر مختار و سپس سفیر کبیر ایران در انگلستان از هفتم مهر 1320 تا تابستان 1326)،نامه‏هایی در طی‏ این مدت از لندن به مقامات اصلی مملکت نوشته است.از جمله در موردی که صحبت سیاست امریکا و ورود مستشاران امریکایی(در حکومت قوام السلطنه در 1321)،پیش می‏آید،وجود و انتشار امریکایی‏ها را در آن دوره در برابر قدرت و نفوذ شوروی مفید دانسته‏ و گفته است:«دیگر این‏که استخدام مستخدمین و مستشاران‏ امریکایی در این حالت کنونی بلا شک بهترین تدبیر بوده و هست و شاید برای حفظ ولایات شمالی با مرکز هم مفید باشد،لیکن‏ می‏خواهم آن‏چه به نظر قاصرم می‏رسد،در این باب عرض کنم...در فواید آن هم نباید مبالغه حاصل شود.»1

از جمله علّت‏هایی که در شصت و دو سال پیش(در هشتم آذر 1321)مورد توجه او بود،آن بود که:«انتشار امریکایی‏ها در ایران و تزاید نفوذشان،یک نتیجه‏ی مکروه و نامطلوبی هم ممکن است‏ داشته باشد که اگرچه فی حد ذاته به نظر مهم نمی‏آید،ولی اگر غفلت از جلوگیری آن بشود،ثمرات موجب زحمت تولید تواند کرد و آن حمایت و رعایتی‏ست که امریکایی‏ها از قوم یهود می‏کنند...لکن‏ افراط در راه دادن به این جماعت و مدعیات افراطی آن‏ها و خصوصا به یهودی‏های خارجی فتنه‏طلب صهیونی Zionist که با مقاصد تحریکات و نیّات سوء حالا از هر طرف در پناه حمایت خارجی به‏ ایران می‏ریزند،موجب نتایج وخیمی تواند شد...».2

احتمالا تذکر تقی‏زاده در این قضیه(که تفصیلش را در نامه‏ی‏ محرمانه به وزارت امور خارجه نوشته)،از نخستین یاد آوری‏های یک‏ سیاستمدار ایرانی به حکومت بوده است.3

تقی‏زاده،در مقامی که به موضوع ورود و نفوذ و انتشار امریکایی‏ها پرداخته است،از اظهار شورو عشق عده‏یی نسبت به‏ دکتر جردن‏[بانی کالج البرز که در شماره‏ی اسفند 1383 ماهنامه‏ی حافظ هم مقاله‏یی راجع به سوابق آن به قلم آقای مجید مهران چاپ شده بود]به این نگرانی رسیده بوده است که مبادا موجب تجدید فعالیت مبشّرین مسیحی بشود.لذا به قوام السلطنه‏ می‏نویسد:«بریدن پای میسیونرهای خارجی خاصه موقوف نمودن‏ مدارس آن‏ها از کارهای خوب دوره‏ی سابق بوده است...».4

تقی‏زاده در همین نامه اطلاعات خود را درباره‏ی قرادادی که‏ میان مبلّغین مسیحی امریکا و انگلیس و حوزه‏ی فعالیت آن‏ها وجود داشت اظهار می‏کند و اشاراتی دارد به ضدّیت خاص افراد میسیونر انگلیسی نسبت به ایران.

اینک بخش موردنظر از نامه‏های تقی‏زاده(یکی خطاب به احمد قوام رییس الوزرای وقت)در آذر 1320 و دیگری خطاب به وزارت‏ امور خارجه در بهمن 1322 عینا نقل می‏شود.

2-نامه‏ی تقی‏زاده به رییس الوزرا

هشتم آذر 1321

دوست محترم معظم

اگر در این مدت چیزی به‏طور خصوصی عرض نکرده‏ام،سببش‏ فقط رعایت اوقات شریف بوده که می‏دانم مشاغل لا یتناهی،فراغتی‏ به مطالعه یا جواب معروضات خصوصی نمی‏دهد و از طرف دیگر راجع به امور جاریه‏ی سیاسی هم مطالب مرتبا به وسیله‏ی تلگراف‏ مخابره و مبادله می‏شود و اگر هم گاهی شرحی به وسیله‏ی پست‏ عرض می‏شود،اولا خیلی دیر می‏رسد و ثانیا با اوضاع فعلی صفت‏ محرمانه کما ینبغی بر آن صدق نمی‏کند.مع ذلک می‏خواهم‏ بدین وسیله راجع به دو سه فقره امور مهمه خاطر شریف را به‏طور خصوصی مصدع گردم.

اولا،تزاید تدریجی قدرت‏ دولت و انتظام روز افزون امور و استحکام و ثباتی که در نتیجه‏ی‏ تدابیر حضرت عالی پیدا شده و می‏شود،موجب بسی خوش وقتی‏ و کمال تشکر است...

ثانیا آن‏که،انتشار امریکایی‏ها در ایران و تزاید نفوذشان،یک نتیجه‏ی مکروه و نامطلوبی هم ممکن است داشته‏ باشد که اگرچه فی حد ذاته‏ به نظر مهم نمی‏آید،ولی اگر غفلت از جلوگیری آن بشود، ثمرات موجب زحمت تولید تواند کرد و آن حمایت و رعایتی‏ست‏ که امریکایی‏ها از قوم یهود می‏کنند و این فقره به حدّ معتدل هیچ‏ عیبی ندارد و البته ایران همیشه نسبت به یهود رئوف و عطوف بوده‏ و خدا نکند که روزی بعضی افکار مضره شیوع یابد که باعث‏ مزاحمت مردم به هم وطنان یهودی خودشان که کوروش آن‏ها را از اسارت آزاد کرد و داریوش اجازه‏ی تجدید تعمیر بیت المقدس را به‏ آن‏ها داد و خشایار شاه به شفاعت زن یهودیه‏ی خود استر از قتل عام‏ آنان جلوگیری کرد،بشود.چه ایران در هر تاریخی در عهد اشکانیان‏ و ساسانیان و دوره‏ی اسلامی،نسبت به آن‏ها مدارا و عطوفت داشته‏ و حتا در عهد ایلخانیان سعد الدوله،وزیر اول مملکت،یهودی بود. لکین افراط در راه دادن به این جماعت و مدعیات افراطی آن‏ها و خصوصا به یهودی‏های خارجی فتنه‏طلب صهیونی( Zionist )که با مقاصد تحریکات و نیّات سوء حال از هر طرف در پناه حمایت‏ خارجی به ایران می‏ریزند،موجب نتایج وخیمی تواند شد که از شرح‏ آن در این‏جا محض احتراز از مزید تصدیع خودداری می‏کنم و اگر خواسته باشند،ممکن است مراسله‏ی محرمانه‏ی اینجانب را به‏ وزارت امور خارجه به تاریخ چهارم تیرماه سال جاری و نمره‏ی 725 در این باب خواسته،ملاحظه فرمایند.ولی البته باید تکرار نمایم که‏ این مفسده معادله با محسنات،وجود امریکایی‏ها به هیچ وجه‏ نمی‏کند و شاید در مقابل آن محسنات امر جزئی‏ست و نیز با مراقبت‏ معتدلانه و با احتیاط می‏توان از آن جلوگیری نمود.

رابعا،از قراری که در جراید فارسی دیده می‏شود،در ضمن شور و عشقی که موقتا نسبت به امریکا و امریکایی‏ها در محافل سیاسی‏ تهران پیدا شده،بعضی‏ها حتا تا آن درجه پیش می‏روند که دولت را تشویق به عودت دادن مبشّرین امریکایی و تجدید افتتاح مدارس‏ آن‏ها می‏کنند و دکتر جردن را دوست صمیمی ایران می‏نامند.

بباید عرض کنم که این نوع افراط،موجب تأسف است و بریدن‏ پای میسیونرهای خارجی،خاصه موقوف نمودن مدارس آن‏ها،از کارهای خوب دوره‏ی سابق بوده است و اگر به هیچ وجه جلوی‏ عملیات میسیونرهای انگلیسی را در جنوب و مرکز ایران نمی‏توان‏ گرفت و باید امریکایی‏ها را هم راه داد،خوب است فعالیت مبشّرین‏ امریکایی را هم فقط در جنوب ایران و اصفهان اجازه داد.در آن‏ صورت ملاحظه خواهند فرمود که قدم پیش نخواهند گذاشت.چه بر حسب قراری که مرکز مبشّرین امریکایی با مراکز مبشّرین انگلیسی‏ دارند و قراردادی در هفتاد هشتاد سال قبل منعقد نموده‏اند که حکم آن هنوز جاری‏ست، مملکت ایران را به دو منطقه‏ی‏ نفوذ تقسیم کرده‏اند که هرکدام‏ از آن‏ها در یکی از آن دو منطقه‏ کار کنند،دیگر حق استقرار و کار در آن نداشته باشد.ولایات‏ و ایالات شمالی و تهران در حوزه‏ی نفوذ مبشّرین‏ امریکایی‏ست و ولایات جنوبی و مرکزی در منطقه‏ی انگلیس‏ها که برای تبلیغ احکام خدا [!!]منطقه‏ی منافع برای‏ خودشان برقرار نموده‏اند.

بعد از انقلابات سیاسی پارسال در ایران که زبان جراید و ناطقین‏ در انگلستان نسبت به ایران باز شد،کم‏تر کسی بیش‏تر از میسیونرهای انگلیسی که در ایران بواه‏اند،بر ضدّ ایران حرف زد و یکی از آن‏ها که در کمبریج نطق می‏کرد،از مظالم دولت ایران به‏ مردم مملکت داد بلاغت داد و در ضمن گفت که به قدری مردم را گدا و لخت و از هستی ساقط نموده‏اند که حالا حتا شیر هم برای‏ چایی پیدا نمی‏کنند و بدبخت‏ها مجبور شده‏اند چایی بی‏شیر بخورند [!!]و این شخص که ادعا داشت بیست سال در ایران بوده،خود خوب می‏دانست که ایرانی چایی را با شیر نمی‏خورد،ولی تأثیر کلامش در قلوب انگلیس‏ها معادل این بود که کسی در ایران بگوید در انگلیس مردم به قدری بدبخت شده‏اند که در تابستان هندوانه و یا آب‏دوغ هم پیدا نمی‏کنند و در ایام پرهیز بیچاره‏ها زلابیه هم ندارند. یا در امریکا از بدبختی مردم افغان صحبت کرده و بگوید که هفته‏یی‏ یک بار هم گوشت خوک و یا خرگوش به دست‏شان نمی‏آید.

شاید پس از موضوع آذوقه‏ی فعلی و بعضی امور جاریه‏ی فوتی‏ که محتاج به تدابیر خیلی عاجل است،مهم‏ترین کل امور سیاسی‏ مملکت،همانا تهیه‏ی نقشه‏ی آتیه و تدارک لازم برای اساس کارها بعد از جنگ باشد.ریختن طرح مطلوب و نقشه‏ی اصلاحات جامع و اساسی برای موقع بعد از تخلیه‏ی ایران از قوای خارجی، ضروری‏ترین اقدامات امروز است.چنان‏که همه‏ی دول محارب و حتا آن‏ها که مملکت‏شان از دست آن‏ها رفته،کمیسیون‏های عمده از دانشمندترین رجال خود تشکیل داده و مشغول تهیه‏ی نقشه‏ی آینده‏ (بعد از جنگ)هستند.عرض نکاتی که در این بابت به نظر بنده‏ می‏رسد،موجب تطویل خواهد بود و یقین دارم همه‏ی آن نکات بر ضمیر عالی مکشوف است.

این عرایض که مانند یادداشتی عرض شد و یقین دارم همه‏ی‏ این نکات بر ضمیر عالی روشن است،محض تذکر بود.آن‏چه در این‏ مدت قلیل اقدام شده،جای قدردانی‏ست و قدم‏های چندی در طریق‏ استقرار حکومت پیش آمده‏ایم که باید شکر سعی جمیل عالی و دعای اجر جزیل به عمل آورده شود.

اخیرا احساس می‏کنم اوضاع سیاسی تا حدی رو به بهبودی‏ست‏ و امید است بهتر گردد.موضوع آذوقه که اندیشناک‏ترین مسایل‏ است،رو به اصلاح به نظر می‏آید.کار نشر اسکناس و دادن ریال به حضرات به راه سهل‏تری افتاده و امیدواریم با گرفتن مقداری امتعه‏ جلو تراکم اسعار خارجی هم تا حدی گرفته شود.

بنده دنبال مطلب را از دست نداده و نمی‏دهم و دائما اصرار و تکرار خواهم کرد و گمان دارم اقدامات به کلی بی‏نتیجه نبوده است و البته اقدامات خود اولیای دولت در تهران هم سبب اصلی هر اصلاحی و گشایشی در روابط بین المللی بوده و می‏باشد.

بدبختانه به واسطه‏ی لنگی کار پست که درحکم مسدود شدن‏ است و هم بسیار دیر می‏رسد و هم از دست خود حضرات می‏گذرد و انحصار راه مخابره به تلگراف که البته خیلی گران است،اطلاعات‏ کافی و کامل از اوضاع پیدا نمی‏کنم،مگر در این اواخر که خودتان‏ با چند تلگراف مشروح بسیاری از امور را مفصلا توضیح فرمودید و بسیار ممنون شدم و میزانی به دستم آمد.

از قرارداد مالی که در پنجم خرداد بین ایران و دو دولت مجاور منعقد شده،تا این هفته نسخه‏یی به دست من نرسیده بود تا آن‏که‏ گویا بعد از شکایت تلگرافی من تأکید فرمودند و یک نسخه فرستاده‏ شد و رسید و عجب آن‏که از مراسلات ضمیمه‏ی آن جواب اقدامات‏ بنده را در آن‏جا داده‏اند هیچ اطلاعی نداشتم.

3-نامه‏ی تقی‏زاده به وزارت امور خارجه

28 بهمن 1322

خیلی محرمان

خصوصی و مستقیم

وزارت امور خارجه

مراسله‏ی شریفه(محرمانه)ی مورخه‏ی 27 شهریور سال جاری‏ به شماره‏ی 3660 مربوط به شرح لغت«آزادیستان»در دایره المعارف‏ اسلامی ترکی و اصل و منضمّات آن مورد مطالعه گردید.چون در آخر مراسله مرقوم رفته که اگر نظری دارم عرض کنم،ذیلا آن‏چه را به نظر قاصر می‏رسد معروض می‏دارد:

شرحی که در ضمن کتاب دایره المعارف ترکی درج شده، متضمّن مطالبی نیست که اتفاقا در یک مورد و به قلم یک مؤلف‏ ترک فقط در آن کتاب و در ظرف امسال نوشته شده باشد،چون‏ بدبختانه ایرانیان فارسی زبان از عالی و دانی و عوام و تربیت شده و ادبا و فضلا و دکترهای علوم مختلف و مصادر امور و وکلا و پیشروان مملکت و مدّعیان احاطه بر معلومات عالم،نشریات و جراید و مجلات و کتب ترکی را نمی‏خوانند و زبان ترکی نمی‏دانند و اگر هم بعضی می‏دانند،مداومت برخواندن آن‏ها ندارند و اصلا خبری از مملکت و ملت ترکیّه و عقاید آنان و جریانات ادبی و سیاسی و ملی‏ آن‏جا ندارند و ترکیّه برای آن‏ها مملکتی‏ست پشت سدّ یاجوج و مأجوج و مانند مدینه النّحاس و جابلقا یا تبت و مانچوری؛لذا با آن‏که‏ از امور جاریه در نیویورک و شیکاگو و پاریس و برلن و لندن که‏ هزارها فرسخ از ایران دورند،کم و بیش اطلاع دارند و به عقاید نازی‏های آلمان و کوکولوکس کلان‏های امریکا آشنا هستند،به‏ آن‏چه در ممالک همجوار جریان دارد،کم‏تر توجه دارند و بعد از سالیان دراز که مطالب و عقایدی هر روز و هر شب در پشت دیوار ایران جریان دارد،برحسب تصادف کسی یک قطعه از جراید یا کتب‏ آن سامان را ترجمه‏[کند]و به نظر آنان برساند،یک مرتبه به تصور این‏که اتفاقا فلان مطلب که صد هزار مرتبه در نشریات آن‏جا مکرر شده و می‏شود،همین یک بار و به قصد خاص سیاسی در آن جریده‏ یا کتاب نشر شده،قال و قیلی در می‏گیرد و معرکه و غوغا بر پا می‏شود و مثل عهد فتحعلی شاه که هریک از علمای ایران قلم‏ به دست گرفته،کتبی در ردّ پادری(هنری مارتن)که اعتراضاتی به‏ دین اسلام نوشته بود،تألیف می‏کنند که گویی بعد از هزار و سیصد سال تازه در همه‏ی قرون تاریخ و تمام دنیا فقط یک نفر مسیحی‏ برخلاف اسلام سخن گفته،غافل از این‏که در تمام ممالک مسیحی‏ دنیا از قرن هشتم مسیحی تا حال،هر روز صد هزار مرتبه این طعن‏ تکرار می‏شود و ما فقط وقتی که صادق کلدانی الاصل اورمیه‏یی در تهران اظهار کرد که نصاری چنین عقیده دارند،به هیجان آمدیم.یا یک فرانسه‏دان عهد فتحعلی شاه از کتاب فرنگی ترجمه کرد و شنیدیم.

این فقره یک قاعده‏ی کلی در مملکت ماست که تصور می‏کنیم‏ در دنیا فقط یک قومی به نام فرانسه و یک جماعتی به نام انگلیس و گاهی هم یک آلمان و روسی هست و باید از جریان کار آن‏ها و عقاید و احوال‏شان باخبر باشیم،ولی از احوال مللی هندوستان از برهمن و جاپنی و عقاید سیاسی احزاب آریا سواج و مهاسابها و زبان‏های گجراتی و مراتی و تلوگو و سندی و کشمیری و بنگالی و هندی و کناری و ادبیات و کتب و جراید و مجلات آن‏ها هیچ‏ اطلاعی نداریم،حتا زبان اردو را کسی نمی‏خواند.

از ملل قفقازیه و زبان‏ها و عقاید آن‏ها بی‏اطلاعیم و نه تنها کسی‏ جراید آن‏ها را نمی‏خواند و در ایران یک نفر گرجی‏دان پیدا نمی‏شود (با آن‏که در فریدن اصفهان آن همه گرجی زبان داریم)؛حتا از آن‏چه‏ در روزنامه‏های ارمنی و یهودی تهران نوشته می‏شود،کم‏تر کسی‏ مطلع است و از فعالیت صهیونییّن یهودی در ایران در این سه‏ سال اخیر بی‏خبریم و نظمیه‏ی ما تنها مردم مسلمان را تعقیب‏ می‏کند و شعبه‏یی ارمنی‏دان و یهودی‏دان و کردی‏دان و عربی‏دان و ترکی‏دان و کلدانی‏دان ندارد که از فعالیت درونی آن طوایف در ایران‏ خبر بیاورد.حتا دولت از خیالات بهایی‏های فارسی زبان و علی اللهی‏های کردی زبان خبر صحیحی ندارد،گو این‏که این‏ جماعت‏های آخری خیالات سیاسی مضرّی نداشته باشند.

پی‏نوشت‏ها:

(1)-تقی‏زاده،سید حسن،نامه‏های لندن،به کوشش ایرج افشار،ص 210.

(2)-همان جا،ص 12.

(3)-همان جا،ص 101.

(4)-همان جا،ص 13.